علل اهمیت هولوکاست از دید یهود و اسرائیل

مجله " بارنز ریویو " (TBR) در مقاله‌ای به بررسی نفوذ و تأثیر هولوکاست بر فرهنگ و زندگی مردم غرب پرداخته است. این مقاله که توسط ناشر بارنز ریویو نوشته شده است، در اصل به عنوان خاتمه کتاب " بهترین شاهد " نوشته میشل کولین پیپر بوده است که در سال 1994 منتشر شد و در آن تلاش‌های مل مرملیستاین شخصیت برجسته صنعت هولوکاست برای خاموش کردن جنبش تجدیدنظرطلبی تشریح شده است. " هولوکاست " به یک نیروی عظیم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نه تنها در آمریکا بلکه در سراسر جهان تبدیل شده است.

• هولوکاست چیست؟

سوالی که غالباً با سادگی از تجدیدنظرطلبان هولوکاست پرسیده می‌شد این است: " چرا شما از هولوکاست که یک تاریخ دیرینه است ناراحت می‌شوید؟ شما باید کمی دیوانه باشید که در هولوکاست شک می‌کنید؛ آیا این اعتقاد را نیز دارید که زمین مسطح است؟ آیا شما یک یهودستیز خشن هستید که به تمامی شاهدان عینی شک دارید؟ هر فردی با عقل سالم این مسئله را پذیرفته است. اجازه دهید افرادی مثل مل مرملستاین، اگر می‌خواهند، هولوکاست خود را داشته باشند. برای شما چه تفاوتی دارد؟ "

آنچه مهم است درک عمومی از هولوکاست است نه تعریف آن، چرا که برداشت از یک موضوع، و نه حقیقت آن، جزء لاینفک تمامی فروشندگان، مبلغان، متخصصان روابط عمومی، مدیران مبارزه سیاسی، حامیان " هولوکاست " و دیگر سوداگران است. مردم بطور کلی بواسطه درکی که از حقیقت دارند، بواسطه انگیزه‌های روانی وسیع و عمیقی که دارند و با اختیار، نه بواسطه خودِ حقیقت که معمولاً برای آن‌ها ناشناخته است، حرکت می‌کنند.

با استفاده از حساسیت اخلاقی و احساس گناهی که همیشه در مسیحیان وجود دارد، این مسئله دائماً به آمریکایی‌ها یادآور می‌شود که اسرائیل "از خاکسترهای "هولوکاست " برخاسته است " ... و اینکه مسئولیت اخلاقی آن‌ها این است که "بقای اسرائیل " را تضمین کنند. به ما اطمینان داده شده است که اسرائیل "نزدیک‌ترین متحد آمریکا " و "تنها دموکراسی خاورمیانه " است. نتیجه این است که مالیات دهندگان آمریکایی سالانه میلیاردها دلار را پرداخت می‌کنند، مثل اینکه تجملات امروزی را خریداری می‌کنند.

• هولوکاست به عنوان یک مذهب

نویسنده این مقاله در ادامه می‌افزاید: "هولوکاست " بدون هیچ اغراقی و عیناً، یک مذهب است. معتقدان به این مذهب، تمامی حقایقی را که برخلاف اعتقاد آن‌هاست را رد کرده و هماهنگی درونی عقاید دینی زشت آن‌ها تنها بواسطه الهامی است که با ایمان بدست می‌آید و نه بواسطه یک گزارش منطقی بر مبنای حقایق عرفاً مقبول و نه بر اساس آنچه که به نظر می‌رسد تاریخ بیان می‌کند. حقایق منتسب به هولوکاست، متناقض بوده و کشیش‌های اعظم این مذهب حتی بین خودشان نمی‌توانند بر سر جزئیات به توافق برسند، و به همین دلیل است که بطور دیوانه‌وار مانع بحث شده و هیچ چیز جز تلاش برای نادیده گرفتن و یا تهمت به کسانی که در مقابل آن‌ها بایستند را بلد نیستند.

هولوکاست، مفهومی است که باعث پاسخی پاولویانی (Pavlovian) می‌شود. با به خاطر آوردن تصویری که در ذهن افراد هدف جای داده شده است، گرایشی انعطاف‌پذیر را القا می‌کنند که براساس آن، متخصصانی که این تصاویر را در ذهن افراد جای داده‌اند می‌توانند از اشخاص بهره‌برداری کنند.

این که این واژه در واقع معنای کمی دارد که با واقعیت‌ها سازگار باشد، اهمیتی ندارد؛ آنچه مورد نظر است نگرش مذهبی به گناه، وحشت مورد احترام و ترس است. این سندروم که دقیقاً با تعریف مشهور هیتلر از "دروغ بزرگ " در کتاب نبرد من (Mein Kampf) نیز مطابقت دارد، برای آمریکایی‌ها هزینه‌ای بسیار فراتر از هزینه مالی دارد و این هزینه هر روز در حال افزایش است.

هولوکاست زنده و در حال رشد است، نه مرده و در حال منسوخ شدن. این مسئله در هر ساعت بر تمام آمریکایی‌ها تأثیر می‌گذارد و این تأثیر روز به روز بیشتر می‌شود. بر تمامی تصمیمات مالی دولت و اکثر تصمیمات احزاب خصوصی تأثیرگذار است.

چه بخواهید چه نخواهید، باید با هولوکاست روبرو شوید و این سوالات باید پرسیده شود. قبول همیشگی این منظر با بی‌فکری، یا تقلب بوسیله تحریف و یا بزدلی، دیگر برای آمریکایی‌های نجیب، ازجمله یهودیان، قابل قبول نیست.

- **هزینه مالی هولوکاست**

"جرج بال " معاون سابق وزیر خارجه، هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم "رابطه ویژه " کذایی میان آمریکا واسرائیل از دوره 1948، یعنی زمانی که اسرائیل به عنوان یک کشور تأسیس شد، تا سال 1991 را محاسبه کرده است. هزینه‌های مستقیم شامل بخشش‌های متعارف، وام‌ها، تأمین منابع مالی جدید برای بدهی‌های اسرائیل به آمریکا، امتیاز استفاده رایگان از سلاح‌های آمریکا، امتیاز مقررات گمرکی و غیره، در کل برابر با 61 میلیارد دلار بوده است.

هزینه‌های غیرمستقیم روابط آمریکا و اسرائیل شامل کمک به مصر (برای خرید دوستی مصر با اسرائیل)، خسارت به اقتصاد آمریکا بخاطر تحریم نفتی اعراب و خسارت به اقتصاد آمریکا بخاطر مداخله اسرائیل در تجارت میان آمریکا و اعراب و ...، بسیار بیشتر و برابر با 107.356.000.000 دلار بوده است. با برون‌یابی این مبلغ تا سال 1993 و هم‌چنین وام تضمینی ده میلیارد دلاری که در روزهای پایانی دوران بوش اول به تصویب کنگره مطیع و فرمانبردار رسید، این مبلغ به حدود 200 میلیارد دلار می‌رسد. بنابراین ما سالانه 3.3 میلیارد دلار به اسرائیل داده‌ایم و بنابراین تا سال 2009 حداقل 53.8 میلیارد دلار دیگر به اسرائیل می‌دهیم.

اما این تمام مسئله نیست. این رقم هنوز شامل زیان مالیاتی در بخشش‌های مالیات‌پذیر (که عمدتاً از سوی یهودیان آمریکایی به درآمدهای مالیاتی وارد می‌شود) که به سود اسرائیل بوده و حدود 20 میلیارد دلار برآورد می‌شود، نیست. هم‌چنین هزینه استقرار نیروهای آمریکا در خاورمیانه برای حفاظت از اسرائیل – از جمله عملیات مشهور توفان صحرا - که حدود 340 میلیارد دلار برآورد می‌شود نیز محاسبه نشده است. بنابراین مجموع هزینه‌های مستقیم اسرائیل بر مالیات‌دهندگان آمریکایی بیش از 550 میلیارد دلار است.

ارقام بالا شامل 135 میلیارد دلاری که مالیات دهندگان آلمانی از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون به عنوان غرامت جنگی به اسرائیل و اشخاص یهودی نجات‌یافته از هولوکاست پرداخته‌اند نیست.

"نوحام گولدمن "، رئیس سابق کنگره جهانی یهود و رئیس کنفرانس مطالباتی که پس از جنگ تشکیل شد تا موافقت‌نامه‌های غرامت را تنظیم کند، نتایج غرامت‌های آلمان به اسرائیل را اینگونه توصیف می‌کند. او می‌نویسد: اگر غرامت‌های آلمان نبود کشور اسرائیل نیمی از زیرساخت‌های کنونی‌اش را نداشت؛ تمامی قطارهای اسرائیل، آلمانی هستند، کشتی‌ها آلمانی هستند، هم‌چنین برق و بخش بزرگی از صنعت ... صرف‌نظر از پرداخت‌های شخصی که به تعداد سال‌هایی معین به نجات‌یافتگان داده می‌شود، میزان پولی که اسرائیل از آلمان بدست آورده است دو یا سه برابر بیشتر از مجموع کل پولی است که از یهود بین‌الملل گرفته است.

تمامی این هزینه‌ها که مالیات‌دهندگان آمریکایی و آلمانی برای بقای اسرائیل می‌پردازند، که گویی از یک منبع سرشار می‌آید، تمامی اشخاص و موسسات مشمول را به فساد کشانده و این اصل تاریخی را به تصویر کشیده است که فساد به ناچار از پول ناشی می‌شود، و پول بیشتر برابر با فساد بیشتر است. در این مورد فساد به طور ضمنی توسط امثال بیلی گراهام، پت روبرتسون و ارتشی مجازی از اسرائیلی‌های "مسیحی "، تصدیق شده است.

و با وجود این، و شاید بخاطر نزول ناگهانی و عظیم پول، اسرائیل خود دچار زوال اخلاقی و اقتصادی تکان‌دهنده‌ای شده است. روزنامه‌نگار اسرائیلی باری چامیش، که در سقوط اسرائیل مطلب می‌نویسد یکی از روزنامه‌نگاران بسیار زیادی است که فساد گسترده و سوءمدیریتی که از بالا تا پایین دولت، تجارت و جامعه اسرائیل وجود دارد را ثابت کرده است؛ این وضعیت باعث

شده است که طبقه حاکم در اسرائیل زندگی ثروتمندانه داشته و بخش اعظم مردم اسرائیل در ناامیدی و بی‌ثباتی همیشگی اقتصادی زندگی کنند.

پارک‌های آموزشی مجازی به سبک دیزنیلند، اکنون به عنوان بخشی از مبارزه رسانه‌ای برای حمایت از تصویر مطلوب "هولوکاست " است. اکنون ده‌ها موزه و یادبود هولوکاست در آمریکا وجود دارد و یک مورد نیز در برلین درنظر گرفته شده است. حتی مل مرملستین نیز یک موزه هولوکاست مربوط به خودش دارد که البته هزینه‌های آن قابل برگشت از مالیات است و شامل سفر به اسرائیل و جاهای دیگر برای مدیران برجسته است.

یکی نمونه از این دست، موزه یادبود هولوکاست در واشنگتن است که با هزینه مالیات‌دهندگان آمریکایی اداره می‌شود و در نزدیکی بنای یابود واشنگتن و همسایگی مرکز چاپ و نشر اسکناس کشور قرار دارد (آیا بین این دو تونلی حفر شده است؟ کسی نمی‌داند). در 22 آوریل 1993، هنگام افتتاح موزه، چندصد آمریکایی خشمگین در مقابل ساختمان آن جمع شدند و با در دست داشتن تابلوهایی اعتراض خود نسبت به اتلاف پول‌های مالیاتشان را نشان دادند و اعلام کردند که این موزه جایی در خاک آمریکا ندارد؛ این کار باعث نگرانی بیشتر اهدا کنندگان به این موزه از جمله بیل کلینتون شد، او از اظهاراتش مبنی بر حمله به لابی آزادی (که سازمان‌دهنده اعتراضات بود) به عنوان یک لابی "فاسد و بی‌معنی " فاصله گرفت. یکی از رهبران اعتراضات جک وایکاف، تجدیدنظرطلب نیویورکی بود که تابلوهای بسیار تأثیرگذاری را تهیه کرده بود که توجه رسانه‌ها را بخود جلب می‌کرد. در یکی از این تابلوها نوشته شده بود: "این (موزه) را به اسرائیل منتقل کنید. " دیگر معترضان شامل سیاهان آمریکایی بودند که این شش میلیون مشکوک را با کشتار معروف میلیون‌ها برده آفریقایی مقایسه کرده‌اند. با توجه به میلیاردها دلاری که مالیات دهندگان آمریکایی به اسرائیل پرداخته‌اند، سیاهان این استدلال را کرده‌اند که آنچه برای صهیونیست‌ها خوب است برای آن‌ها نیز خوب است. و پیش‌بینی می‌شود گروه دیگری که این استدلال را خواهند کرد، بومیان آمریکا هستند.

به نظر می‌رسد که موزه هولوکاست عجیب‌ترین و مهیب‌ترین نمایشی است که تاکنون در نمایش‌های فرعی کارناوال‌ها ارائه شده است. مجسمه‌هایی واضح از یهودیان بیچاره‌ای که به اتاق‌های گاز برده می‌شدند. تپه‌هایی از کفش‌های مستعمل که ظاهراً متعلق به قربانیان "هولوکاست " است (و البته می‌تواند محصول کارخانه‌هایی دیگر باشد) و دیگر وسایل شخصی، نشان از ترس و وحشت زندگی روزانه در اردوگاه‌های کار دارند.

بازدیدکنندگان از جمله کودکان تقاضا می‌کنند که هویت یک زندانی را بدانند و مسیر انتقال قربانیان به کوره‌های گاز را طی کنند. یکی از بخش‌های مهم محل وحشت در این موزه، فیلم مستندی با عنوان یهودستیزی است که به گفته یک وزیر مسیحی به نام دال کرولی این فیلم ضدمسیحیت است و در بهترین شرایط، همان روح گذشتی که قرار است موزه نمادی از آن باشد را نقض می‌کند. این فیلم مسیحیت را مسئول گناه هولوکاست می‌داند.

این ایده که مسیحیت مسئول هولوکاست ادعایی است، موضوعی است که رسانه‌ها بارها به آن پرداخته‌اند. حتی بسیاری از رهبران مذهبی مسیحی متقاعد به این امر شده و یا ناگزیر به پذیرفتن تقصیرشان شده‌اند. مسیحیت که به لحاظ تاریخی مذهب عشق و گذشت بوده است، علت خشونت و آزار و اذیت شناخته شده است. مسیحیان شیطان صفت هستند و باید بهای آن را بپردازند. و این پرداخت غرامت همچنان ادامه دارد.

خاخام شلمو ریسکین که متولد آمریکا است و از زمانی که فلسطینیان، یعنی ساکنان چندین هزار ساله کرانه باختری از این منطقه بیرون شدند، در کرانه باختری زندگی کرده است، به گونه‌ای وحی‌آمیز می‌گوید: "جهان به دو بخش تقسیم شده است: کسانی که بطور فعال با نازی‌ها همکاری کرده‌اند، و کسانی که همدست آن‌ها بوده‌اند. این مسیحیت، بخصوص مسیحیت کاتولیک بود که هولوکاست را به بار آورد. صدای چکیدن خون هنوز هم از کلیسای کاتولیک به گوش می‌رسد، چرا که هنوز هم اسرائیل را به رسمیت نشناخته است. "

همکاری خصوصی گسترده‌ای بین موسسات، اتحادیه‌ها، سازمان‌های خدماتی گوناگون و دیگر نهادها، با موافقت اعضای آن – که این موافقت ضرورتی هم ندارد - برای ایجاد موزه هولوکاست صورت گرفته است.

برای مثال در 22 آوریل 1993 اتحادیه‌ها و سازمان‌هایی که برای موزه هولوکاست همکاری کرده‌اند شامل این موارد است: فدراسیون معلمان آمریکا، کارمندان مخابرات آمریکا، اتحادیه کارگران هتل و رستوران، اتحادیه کارگران اداره پست آمریکا، انجمن بین‌المللی کارگران بخش برق. در لس‌آنجلس، مرکز سایمون ویزنثال یک "موزه گذشت " دارد که شاید از موزه یادبود هولوکاست آمریکا بی‌گذشت‌تر باشد. ویزنثال سالانه 75.000 دلار بخاطر استفاده از نامش می‌گیرد، اما منافع این موزه به همین جا ختم نمی‌شود. "موزه گذشت " ویزنثال در نهایت تکنولوژی برتر هالیوودی قرار دارد و هر روز برای جذب مشتری روی صحنه می‌رود.

جودیث میلر می‌گوید: "شما بواسطه هماهنگ‌سازی نور، رنگ و صدا در تصاویری پیاپی که شما را به گذشته می‌برد، هدایت می‌شوید. شما قبل و هنگام هولوکاست در اروپا هستید. صدای واقعی قربانیان، شکنجه‌گران، قهرمانان و تماشاگران بی‌روح را می‌شنوید. ... هنگامی که نورافکن روشن می‌شود شما در مقابل مدلی از دروازه آشویتس قرار دارید و بازتاب صدای قربانیان را می‌شنوید، کسانی که نجات‌خواهند یافت و کسانی که از بین می‌روند. "

با این حال این چنین موزه‌ها تنها بخشی از آن چیزی است که به استهزا "تجارت شوآ " خوانده می‌شود. (واژه "شوآ " معادل عبری فاجعه است) تلویزیون، سینما، کتابها و تقریباً گزارش‌های خبری روزانه در مطبوعات، به ترویج "هولوکاست " کمک می‌کنند. هولوکاست به یک صنعت عظیم و سودآور تبدیل شده است.

• بزرگ‌ترین هزینه

تحمل هزینه دلارها و سنت‌هایی که مالیات دهندگان و شهروندان آمریکایی برای هولوکاست می‌پردازند بسیار سنگین است اما پول، غیرقابل تحمل‌ترین هزینه نیست.

شکل احتمالی جهان امروزی ما را بدون این مصیبت تصور کنید، آنگاه از تباین آن با واقعیت شگفت‌زده خواهید شد. واضح است که تصویر هولوکاست آمریکا را در تمامی جنبه‌های مهم، اساساً از مسیر خود خارج ساخته است.

اگر هولوکاست نباشد، نه اسرائیل خواهد بود و نه فشار آن بر مالیات‌دهندگان آمریکایی که باید حدود نیم تریلیون ثروتمندتر از این باشند. مهمتر اینکه آمریکا دیگر درگیر مسائل خاورمیانه، که هیچ ربطی به ما ندارد، نخواهد بود، و مسلمانان، از کازابلانکا تا زامبوآنگا، دیگر از ما متنفر نخواهند بود.

بدون نفوذ خارجی و بداندیش اسرائیل بر کنگره و کاخ سفید و 535 نماینده کنگره، امور داخلی، براساس منافع آمریکا و نه منافع یک کشور خارجی، تنظیم خواهد شد. روزنامه‌ها و متخصصان آمریکایی به مشکلات حل‌شدنی آمریکا خواهند پرداخت، نه مشکلات قابل حل خارجی.

تفکر دائمی در مورد هولوکاست که به عنوان لحظه حیاتی و تعیین کننده تمام ادوار تاریخ بیان شده است، به تمامی بحث‌های مذهبی و دانشگاهی نفوذ کرده و آن‌ها را آلوده ساخته و مانعی برایشان شده است، و تمرکز این بحث‌ها را از نیازها و حقیقت‌های عینی به نیازهای واقعی یا خیالی دیگران منحرف ساخته است.

این انحراف مخرب تنها شامل موضوعات تاریخی نیست بلکه به مباحث دانشگاهی از انسان‌شناسی تا جامعه‌شناسی و از زیست‌شناسی تا ژنتیک نفوذ کرده است.

گفته می‌شود که هولوکاست نهایت تنزل انسانی است اما واقعیت این است که هولوکاست در نهایت تخیل هالیوودی قرار دارد. هولوکاست این مطلب را آموزش می‌دهد که هر کشوری اگر تلاش کند که وفادار به خود زندگی کند (تعریف ناسیونالیسم) و با توانگرسالاری بین‌الملل مبارزه کند، ممکن است به اندازه آلمان شیطان‌صفت شود، و به این صورت به نخبه‌سالاری خدمت می کند. به همین علت است که هولوکاست در جهت حرکت عظیم سیاسی زمان ما یعنی مزرعه جهانی عمل می‌کند، حرکت از قانون اساسی، خودمختاری ملی و جامعه آزاد و ساختاریافته به سوی بی‌شکلی، هرج و مرج و استبداد در نظم نوین جهانی.

هولوکاست می‌خواهد با درهم شکستن وفاداری سنتی افراد را از هم بپاشد، و جامعه را برای پذیرش تغییرات انقلابی که نه مورد انتخاب آن‌ها است و نه آن را درک می‌کنند آماده سازد. هولوکاست باعث می‌شود پیوندهای قدیمی آمریکایی‌ها و همه مردم به سنت‌ها و تاریخ، افتخار، عشق غریزی به کشور و قومشان بریده شود. در حقیقت چنین عشقی – که تاکنون سنگ‌بنای اساسی و طبیعی ثبات سیاسی بوده است - با بدگمانی و خصومت از سوی سران صحت سیاسی نگریسته می‌شود.

هولوکاست نهایتاً فلسفه عمومی را منحرف کرده و اخلاقیات عمومی را با ایجاد استانداردهای غلط مبتلا ساخته است. منطق وارانه هولوکاست این است: "اگر مردمی که به لحاظ تاریخی دارای فرهنگ و تمدنی چون آلمان‌ها هستند – یعنی پیشرفته‌ترین و خلاق‌ترین مردم زمین - وقتی با وفاداری به خودشان زندگی کنند و مطیع معیارهای اخلاقی که ما را هدایت می‌کنند نباشند، می‌توانند به کشتار دسته‌جمعی دست بزنند، و آنگاه هر کسی می‌تواند چنین کاری را انجام دهد. " برچسب نسل‌کشی واقعی از بین رفته است.

بنابراین جهانیان رفتار وحشیانه اسرائیل با فلسطینیان و دیگر دشمنانش را تحمل می‌کنند. در واقع اسرائیل تنها کشور جهان است که بطور قانونی از شکنجه زندانیان سیاسی حمایت می‌کند. و چرا این کار را انجام ندهد؟ آیا آلمان‌ها رفتار بدتری با آنها (یهودیان) نداشته‌اند؟

اما مسئله دیگری هم وجود دارد. ممکن است قساوت‌هایی مثل هولوکاست از جهان سومی‌ها سر بزند. اما آیا از سفیدپوستان اروپا که دارای فرهنگی غنی هستند این انتظار می‌رود؟ از کسانی که جهان مدرن را ساخته‌اند؟ اگر این چنین است آنگاه فرهنگ غربی و نژاد سفید باید از بین برود. آنگاه این شعار سیاسی صحیح را در دانشگاه‌های آمریکا خواهیم شنید که "فرهنگ غربی در حال از بین رفتن است. "

دروغ شیطانی ابعاد هولوکاست یک گزینه اجباری برای دیگران نیست. این دروغ مهمترین موضوعات پیش روی آمریکایی‌ها را احاطه کرده و از آن‌ها جداشدنی نیست.

تا زمانی که تصور غلط و ساختگی جامعه از هولوکاست تصحیح نشود، روند نزولی ما متوقف نخواهد شد.

به معنای حقیقی کلمه مسئله بقای ما در میان است. به همین دلیل است که همه آمریکایی‌ها باید با هولوکاست مواجه باشند.

چه بخواهند و چه نخواهند.

منبع : خبرگزاری فارس

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.